

نفوذ ادبیات فارسی در مالزی

دکتر عفان سلجوق*

مستول برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی
«دانشگاه ملی مالزی کوالالمپور»

بررسی نفوذ زبان و ادبیات فارسی در مالزی موضوعی بسیار جالب و نفیس است و از دیدگاه تحقیق دارای اهمیت فراوان میباشد این مطالعه روشن می‌کند که در قرن گذشته ایران در منطقه آسیای جنوب شرقی تاجه اندازه شهرت پیدا کرده و در تبلیغ و اشاعه دین اسلام، ایرانیان چه خدمات ارزشمندی انجام داده‌اند.

بنابر روایات تاریخی ایرانیان در قرن دوم هجری به دریای چین وارد شدند، ابن اثیر و طبری هر دو روایت می‌کنند که شخصی از خانواده علی رضی‌الله‌عنه ابن معاویه ادعای خلافت نموده و گروهی از شیعیان علی (ع) گرد وی جمع شدند. ابن معاویه در سال ۷۴۴ م تا ۷۴۷ م در ایران حکومت کرد و اصطخر را پایتخت خود ساخت. در سال ۷۴۷ م امیر ابن هبیره، ابن معاویه را شکست داد. عده‌ای از پیروان وی در ولایات مشرق پراکنده شدند. گروهی دیگر به رهبری شخصی بنام شیبان در جزیره ابن کاوان پناه بردند، این جزیره در راه دریای چین بود چنانکه سلیمان تاجر تصریح نموده است چیزی ازین واقعه مهم نگذشت که چینی‌ها در جزیره هینان Hainan با ایرانیان مواجه شدند. ایرانیان بزبان چینی Po-sse نامیده شده‌اند ایشان در دریای چین ملاحی می‌کردند عده زیادی از ایرانیان بازرگان و صاحبان ناوها بودند، چنانکه سیاح چین - بسنگ - در سال ۶۷۱ م در ناو ایرانی بهند و جزایر مالزی مسافرت کرده بود. مروزی می‌نویسد که در نزدیکی پایتخت چین دریائی است که در میان آن جزیره‌ای قرار داشته که در آن علویین طالبی زندگی میکنند و ایشان از بیم بنی‌امیه اینجا مهاجرت نموده بودند این علویین در میان اهل شهر و بازرگانان خارجی میانجی‌گری میکنند.

از مطالب فوق روشن می‌شود که ایرانیان در قرن دوم هجری یا قرن هفتم میلادی به چین و دریای چین وارد شده‌اند و منطقه جنوب شرقی آسیا برای ایشان بیگانه نبوده. ابن بطوطه جهانگرد معروف چون به مالزی رسید، بدربار ملک ظیر فرمانروای باسی راه یافت با دو تن از دانشمندان ایرانی: قاضی شریف امیر سعید سبازی و تاج‌الدین اصفهانی برخورد کرده بود.

* نثر فارسی مقاله از خود نویسنده است.

در جمعا مزارى كشف شده كه بر لوح آن عبارت زير كنده شده است .
احمد ابن ابراهيم ابن ابو عريضة راهدار الياس ابوالكامل شب پنجشنبه بيست و نهم
صفر سال چهار صد وى و يك درگذشت .



از عبارات فوق چنان بر مى آيد كه در اين ناحيه در آن زمان يعنى در قرن پنجم هجرى ،
سمت راهدارى وجود داشته و اين ابوالكامل شايد به ظن قوى ايرانى نژاد بوده كه به اينجا مهاجرت
كرده و به سمت راهدارى فايز گرديده است . اين سمت در ايران رواج داشته چنانكه جهانگرد
معروف فرانسوى شاردين Chardin در سفرنامه ايران در قرن هفدهم سمت مزبور را ذكر
نموده است .

ايرانيان نه تنها در مالزى وارد شدند ، بلكه در سيام نيز مسكن گرفتند چنانكه تاريخ -
نويسان چينى اطلاعات نفيسى درباره اين موضوع در اختيار ما مى گذارند ، بنا بر اين شاهزاده
اوتونك Utung در سال ۱۳۵ ايوتيه Ayutia پايتخت جديد سيام را درست كرد ، عرصه اى
نگذشت كه ايرانيان شهر مزبور را بنام شهر جديد منسوب كردند چنانكه از كتاب مسيرهاى
بحرى ابن ماجد پيدا است بنا بر شواهد تاريخى بسيارى از ايرانيان در اين شهر جديد زندگى
مى كردند و فارسى در اينجا خيلى رواج يافته بود . همزه فمورى صوفى معروف مالزى كه در قرن
شانزدهم زندگى كرده در همين شهر فارسى ياد گرفته بود .

دانشمندان و شاعران ايرانى در قرن پانزدهم در مالزى بخوبى شهرت يافته بودند و مردم
نسبت به ايشان حسن عقيدت داشتند و ايشان را بديده احترام مى نگريستند . اين عقيدة و احترام
بدرجه اى رسيده بود كه در اجه كه قديم ترين مركز اشاعه دين اسلام در اين منطقه محسوب مى شود ،
بر مزارى اشعار زير كه از سده اى است كنده شده اكتشاف گرديده است .

گلى خوشبوى در حمام روزى
رسيد از دست محبوبى بدستم
بدو گفتم كه مشكى يا عبيرى
كه از بوى دلاوىز تو مستم
بگفتا كه نه مشكم نه عبيرم
وليكن مدتى با گل نشستم
جمال هم نشين در من اثر كرد
و گر نه من همان خاكم كه هستم

اين بود دورنامى مختصرى از روابط ايران و سرزمين مالزى و كشورهاي همجوار ، اين
روابط مستقل كه تا قرن حاضر ادامه يافته زبان و فرهنگ فارسى را در اينجا معرفى نموده ، نه تنها
ايرانيان بلكه بازرگانان و مبلغين مسلمان از هند نيز زبان فارسى را به اين كشور در وقت ادوار رسانيده اند .
در مورد انتشار داستانهاى فارسى در زبان مالزى دانشمندان داراى دو عقيدة هستند چنانكه
دكتر وينستد Winstedt اظهار داشته است :

(الف) اين داستانها اصلاً هندی بوده و مالزى ها بخاطر نگهداشتن آن از دست مسلمانان
با آب و رنگ اسلامى آنها را در آميخته اند .

(ب) اين داستانها بخاطر معرفى دين جديد يعنى اسلام در بين عموم مردم بزبان
مالزى ترجمه شده است چنانكه در آن قصه هاى دلچسب و پرتأثير ماجراهاي قهرمانان مسلمان بيان
شده بود تا مردم را تحت تأثير قرار داده توجه ايشان را بدین اسلام جلب بنمايد .

چنان بنظر می آید که عقیده مؤخرالذکر به حقیقت او واقعیت تردیکتر میباشد و گرنه
نخیره ای از الفاظ و لغات و حتی در بعض موارد اشعار فارسی در متن مالزی این داستان ها اصلاً
دیده نشده است .
در زیر شرح مختصری از این ترجمه ها بخدمت خوانندگان محترم تقدیم می شود :

اسکندرنامه

این داستان به ظن قوی با ورود اسلام به این سرزمین ترجمه گردیده . در نیمه اول قرن
چهاردهم ابن بطوطه در سری لانکا کوه اسکندر و غار ققادر را دیده بود بر طبق این داستان
اسکندر بعد از فتح افریقای شمالی و سته Ceuta بفتح اندلس متوجه شد . لغت دانان مالزی
معتقدند که در اصل این اندلااس بوده که اسم قدیم سماترا میباشد و چنانکه در داستان روایت شده
اسکندر با دختر کید فرمانروای هند ازدواج کرد و اولاد ایشان در پالمبنگ Palembang ، پراک
Perak ، ملاکا Malacca و سنگاپور حکومت کردند این امر خیلی جالب است که در قرن
پانزدهم در سنگاپور پادشاهی به این اسم موسوم بوده است (۲۴ - ۱۴۱۴ - م) .

حکایات امیر حمزه

این حکایات در حدود قرن پانزدهم یا شانزدهم بزبان مالزی ترجمه شده چنانکه خاور
شناس معروف سویس ورندلی Verndly در سال ۱۷۳۶ - م با این ترجمه بکلی آشنا بوده است .
در نسخه مالزی الفاظ و لغات زیادی از فارسی دیده می شود داستان جدیدی از بدیع الزمان بطور
اضافه در اینجا افزوده شده است .

حکایات محمد حنفیه

این داستان در مالزی خیلی رواج داشت و بخاطر حصول برکت و دفع خطرات خواننده
می شد چنانکه صاحب تاریخ ملایا (Sejarah Malaya) صریحاً ذکر نموده است که در سال
۱۵۱۱ چون برتکالی ها ملاکا را محاصره کرده بودند داستان مزبور در دربار ملاکا خوانده
شد .

حکایات بیان بادیمان یا طوطی نامه

اصل این داستان بنام سکسبتی بزبان سنسکریت برشته تحریر آورده شده بود در سال
۱۳۲۶ - م شخصی بنام نحشیب داستان مزبور را بزبان فارسی برگرداند و ترجمه خود را طوطی نامه
نام گذاشت . ابوالفضل وزیر شهیر پادشاه اکبر (۱۶۰۰ - ۱۵۶۱ - م) امپراطور مغول هند ،
نسخه های جدید بزبان ساده و آسان از این داستان تهیه نمود . دکتر وینسند اظهار داشته که
شاید داستان مورد بحث از روی متن ابوالفضل بزبان مالزی ترجمه شده باشد . ترجمه مالزی این
داستان به شخصی بنام قاضی حسن منسوب شده که داستان مزبور را در سال ۱۷۷۵ - م روایت نمود .
طوطی نامه بنام های مختلف در مالزی معروف است مثلاً حکایات خواجه میمون ، حکایات خواجه
مبارک ، جریته تاجه و غیرهم .

حکایات بختیار

در زبان مالزی دو متن جدا به همین اسم منسوب است که آن را بختیار نامه مفصل و بختیار
نامه مختصر می توان نامید . نسخه مختصر با اصل داستان فارسی خیلی متفاوت است نسخه مفصل
نه تنها حکایات و قصه های اصل داستان فارسی را در خود گنجانیده بلکه قصه های دلچسب دیگری

از ادبیات فارسی و عربی را نیز دارا می‌باشد. در این داستان شجرت و هفت حکایت است که شانزده داستان از طوطی‌نامه، دو داستان از تاج‌السلطین، هیجده داستان از سلیمان علیه‌السلام و ملکه سبا، داستان سلطان محمود غزنوی و ایاز، داستان هارون الرشید و ابو نواس و قصه‌های دیگر از قرآن مجید و احادیث می‌باشد.

حکایات نور محمد

این داستان که بنام تاریخ مختصر نیز منسوب است از روی کتاب فارسی روضة‌اللابتاب ترجمه شده است. این داستان به کوشش شخصی بنام احمد شمس‌الدین برای سلطان تاج‌العالم صفوة‌الدین شاه فرمانروای اجه زبان مالزی ترجمه شده. ورنه نسخه‌ای از این داستان را در سال ۱۷۳۶ م ذکر نموده است.

غیر از این داستان همه حکایات دیگر نیز از زبان عربی ترجمه شده است مثلاً حکایات کلبله دمنه یا حکایات راجه جمجاه، حکایات سیف ذوالیزان و غیرهم. اینجا ما فقط بذکر آن حکایات اکتفا کردیم که در مالزی خیلی متداول است و مستقیماً از فارسی گرفته شده است. در مورد ترجمه‌های حکایات فارسی این نکته را باید در نظر داشت که بسیاری از لغات و کلمات فارسی در اینجا دیده می‌شود و در بعضی جاها مترجمین اصل اشعار فارسی را نیز نقل یا ترجمه کرده‌اند در دوره جدید چون زبان مالزی بحروف لاتین نوشته می‌شود از این جهت آن شباهت و تلفظ اصل کلمات که درین زبان وارد شده تغییر یافته است مثلاً چمن (تمن) و نمک حرام (اتک حرام) شده و معلومات را (مکلومات) می‌نویسند.

انتشار این داستان‌های فارسی در مالزی از نفوذ زبان و فرهنگ ایران در این منطقه حکایت می‌کند. این خزانه ادبیات فارسی در قرن پانزدهم و شانزدهم به این سرزمین به ظن قوی به وسیله دربار امپراطور مغول هند انتقال یافت ولی باید در نظر داشت که روابط مستقل و مستقیم بازرگانان و صوفیان ایرانی نیز در آن زمان با این مملکت برقرار شده است چنانکه در مقدمه بدین نکته پرداختیم در زمینه نشر و ترجمه این داستان‌های فارسی در مالزی ما احتمال کوشش ایرانیان را نمی‌توانیم رد کنیم. در این منطقه بسیاری از ایرانیان بعزت گرفتاری‌های بازرگانی و یا تبلیغ دیانت اسلامی مهاجرت نمودند و این امر بعید از قیاس نیست که ایشان زبان مالزی یاد گرفتند و مقداری از داستان‌های زبان خود را به مالزی منتقل نمودند متأسفانه در مورد شرح حال زندگانی عده زیادی از این فضیلات مالزی تاریخ خاموش است. انتشار داستان‌هایی مثل حکایات شاه مردان یا حکایات مهاراجه علی به این امر دلالت می‌کند که این داستان‌ها در نتیجه برقراری روابط مستقل با ایران به اینجا وارد شده و گرنه در آن زمان در هند امپراطور مغول حکومت می‌کرد که اهل تسنن بوده و در مقابل در آن روزگار دولت صفویه پرچم‌دار تشیع در ایران حاکم بود، لذا از این توافق زمان با تجلیات عقاید شیعه در ادبیات مالزی احتمال می‌رود که ادبیات کلاسیک مالزی بهترین نمونه بازگشت ادبی ایران می‌باشد.

